

دوست لرخته آماهی تدریج آماهی

با سلام بر مهر و دل زانه های گرم مان . من از آستان با شما سلام بر خندیدم که به ما بخانیان اسناد و حکایت
 سنده ام سربا « پیوند » تا جیکمان و یاد اسناد محمد عاصمی ، دولت دیرین من حکایتی دارم .
 از پیش از سی سال پیش من همواره در راه پیوند شعور و حرکت ایران و آجیکمان و البته افتخار
 کوشیده ام و از بعضی دنیایم دور بوده ام . اما گفته می دولت ساعتم خوشمن قناعت که آن زمان
 تصدیق اتحادیه نویسندگان تا جیکمان بود ، در جشن بنیاد سالگه ساعی خوب (هر لایق که علی ، آن
 دنیایم در از یادم برد . او گفت « ایوداعام لایقن ادبیات مهر و مهر ایران را به ما جیکمان آورد و راه
 شعور را » این سخن که ایسان در هر م گفته بودند آنده ایران یادش است برای راه ، هر چند بسیار
 اعزاز آینه است . به نگارنده می دوستی تقابل سالها بین محمد دوستان تا جیک بود که ششمین
 مجموعی شویم را در آجیکمان « پیوند » نامند (۱ سال پیش) و این نام بعد از روز نخستین روزنامه
 « فارس خط » تا جیکمان شد .

آقا تدریج عزیز . اگر بصورت شعر یک آن لب گردمانی با شما مان نبود ، این سر و دم به سال
 نمی آمد . به هر حال ، از روزندم و از آن بیگانه خودی ، در پر کوی پیوند والای معنوی بین انسانها
 رنگ بسیار دو بر سقی می گسلی و هم کاری جهان را خراب کرد .

« لم می خواند از کار و دانا خودمان ، از خانه لاده می خوبان و چند کلمه هم در باره می
 سرور جنگل پیوند . این مجموعی بطوری در پیشگفتار آن نوشتم ، بصره داد اقمه خوشی خاوشی ، آ
 این دولت به کف جاگشتی است شعوری در باره می راه پیوند آورده

با آرزوی پیروزی و سادگی
 راه